

سلسلہ دروس خارج

# اصول فقہ

مبحث وضع

(اقام وضع)

جلسہ :

۹۰

تاریخ :

۹۰ / ۱۲ / ۷

وضع خاص  
موضوع له عام

؟

وضع عام  
موضوع له خاص

بحث امروز

وضع عام  
موضوع له عام

امکان دارد

وضع خاص  
موضوع له خاص

امکان دارد

## تقریر حضرت امام از «وضع عام ؛ موضوع له خاص»

گاهی اینچنین است که:

معنای متصور در هنگام وضع = «کلی طبیعی» است

موضوع له = «مصادیق آن کلی» (نه زید و عمرو بما هم زید و عمرو)

یعنی لفظ برای «ما هو مصداق» وضع شده است.

عنوان اجمالی «**ما هو مصداق**» آلت است که لفظ برای افراد (بما هو مصداق) وضع شود

(نه برای زید و عمرو و بکر با خصوصیات خاصه هر یک از آنها)

زید و عمرو و بکر بی نهایت می باشند و قابل اینکه برای آنها لفظی وضع کرد، نیستند.

## تکمیل فرمایش حضرت امام

مراد حضرت امام :

- واضح، معنای **کلی طبیعی** (انسان) را تصور می کند.

- لفظ را برای **مصادیق** (به صورت عام انحلالی نه جزئی حقیقی) وضع می کند.

**نتیجه :**

**وضع :** عام است (انسان)

**موضوع له :** خاص است (کل ما یصدق علیه الانسان = عام اصولی)

## تکمیل فرمایش حضرت امام

### ان قلت :

«کل ما یصدق علیه الانسان» جزئی یعنی خاص نیست! پس موضوع له، خاص نمی شود.

### قلنا :

«کل ما یصدق ..» عام اصولی بوده و از موارد موضوع له خاص می باشد.

### ان قلت:

فی الواقع اینچنین است که:

(۱) **عام** (انسان) تصور شده است

(۲) «**تداعی معنی**» صورت گرفته و «ما هو مصداقه» از تصور «انسان» زائیده شده است

(۳) سپس لفظ بر **افراد** گذاشته شده است.

\*

**تصور اولیه** : انسان (کلی)

**تصور ثانویه وضع** : ما هو مصداق (کلی)

**موضوع له** : کل ما هو مصداق الانسان (جزئی)

### قلت :

تصور کلی انسان ما را به تصور کلی «**ما هو مصداق الانسان**» می رساند

ولی موضوع له این مفهوم کلی نیست بلکه موضوع له «**مصادیق خارجی**» هستند

## ما می گوئیم

اگر بپذیریم که از «کلی انسان» به «ما هو المصداق» منتقل شویم:  
در این صورت «ما هو المصداق» همان «کل ما هو المصداق» است که عام اصولی است.  
و چنانکه خود امام تصریح کرده بودند، این از مصادیق «وضع خاص؛ موضوع له خاص» می  
باشد.

## جمع بندی کلام حضرت امام:

(۱) اشکالات امام بر تصویر مشهور از «وضع عام؛ موضوع له خاص» صحیح می باشد.

(۲) ولی تصویری که ایشان از این نوع وضع ارائه کرده اند با مبنای ایشان سازگار نیست.

(۳) اگر کسی تصور «کل ما هو المصدق» [عام اصولی] را وضع عام بداند

(همانند مرحوم عراقی و مرحوم خوئی)

می تواند با این بیان «وضع عام؛ موضوع له خاص» را تصویر کند.

## جواب مرحوم خوئی به اشکال :

اگر مفاهیم، «بما هی هی» لحاظ شوند = **تتها** از خودشان حکایت می کنند  
(چه کلی باشند و چه جزئی)

**ولی** : تصور برخی از مفاهیم، موجب تصور افراد و مصادیق آنها می شود

**چراکه** : مفاهیم کلی دو دسته اند:

(۱) مفاهیم کلی **متأصله** (۲) مفاهیم کلی **منتزعه** از افراد

مفاهیم کلی **متأصله** (مثل مفاهیم جواهر و اعراض) و برخی از مفاهیم **انتزاعی** (مثل وجوب و امکان)  
اگر لحاظ شوند، جز از خودشان (**جهت جامعه بین افراد**) حکایت نمی کنند

مفاهیم **منتزعه** عن الافراد، (مثل مفهوم «ما ینطبق علیه مفهوم الانسان» و مفهوم «شخص»، «مصدق»)  
**اجمالاً** باعث لحاظ شدن افراد و مصادیق می شوند.

به همین جهت است که قضایای حقیقیه می توانند از **افراد خارجی** حکایت کنند.

## ما می گوئیم

مراد ایشان از مفهوم کلی ( که لحاظش، لحاظ اجمالی افراد است) همان عام اصولی است

دلیل :

اشاره به قضیه حقیقیه (کل انسان ضاحک) + نام بردن از مفهوم «ما ینطبق علیه مفهوم الانسان» معلوم می دارد..

این همان است که امام صراحتاً وضع را در آن، خاص می دانستند